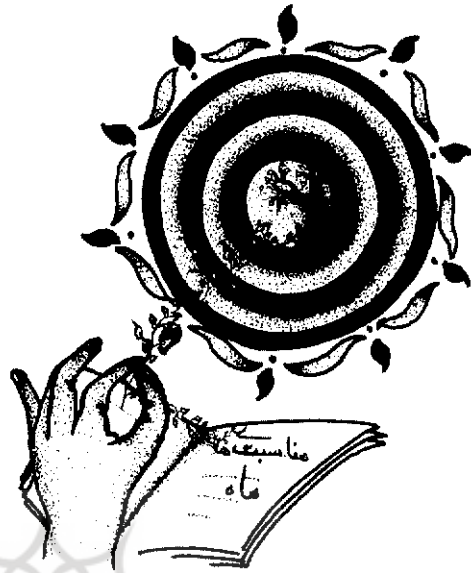


دخت آفتاب

الف - آشوری



گوهری تابناک و نیک اختر
مشعل راه عصمت و تقوا
معنی شور و عشق و اطمینان
رحمت کردگار روی زمین
جلوه اوست جلوه‌ی جاوید
هر که در راه علم ره سپرد
چون که بسته است با خدا میثاق
زینبی سیرت و علی صولت
که بلند است عزم و ادراکش
پدري همچو موسی جعفر^(۱)

خفته در خاک قم یکی گوهر
آفتاب عفاف و شرم و حیا
چشمه سار حقیقت و ایمان
بانوی بانوان اهل یقین
مکتب اوست مکتب توحید
حرمش قبله‌گاه اهل خرد
عصمت اوست شهره در آفاق
فاطمه نام و فاطمی شوکت
هست معصومه کنیه‌ی پاکش
می‌کند فخر بر چنین دختر

* * *

که قبل از به دنیا آمدنش خیر آن را
منتشر کرده، و مردم را برای شناخت

تولد حضرت فاطمه‌ی معصومه علیها السلام
برای اهل بیت علیهم السلام چنان اهمیت داشت

مقام آن بانوی بزرگوار آماده ساختند. پنجاه سال پیش از تولد حضرت فاطمه‌ی معصومه علیها السلام، روزی گروهی از شیعیان ری نزد امام صادق علیه السلام شتافتند. حضرت فرمود: آفرین بر برادران قمی ما. گفتند: آقا، ما اهل ری هستیم. امام باز به اهل قم آفرین گفت و فرمود:

«الا ان لله تعالى حرمًا وهو مكة الا ان لرسول الله حرمًا وهو المدينة الا وان لامير المؤمنين حرمًا وهو الكوفة الا وان حرمی و حرم ولدی بعدی قم الا ان قم كوفتنا الصغیرة، الا ان للجنة ثمانية ابواب ثلاث منها الی قم. تقبض فیها امرأة هی من ولدی اسمها فاطمة بنت موسی، تدخل بشفاعتها شیعتی الجنة باجمعهم»^(۲).

برای خداوند حرمی است که مکه است. حرم رسول مدینه، حرم امیر مؤمنان کوفه و حرم من و فرزندانم قم است. بدانید قم کوفه‌ی کوچک ما است. آگاه باشید، بهشت هشت در دارد که سه در آن به سوی قم است. بانویی از فرزندان من در آن جا وفات می‌کند که نامش فاطمه دخت موسی است. همه‌ی

شیعیان ما به شفاعت او وارد بهشت می‌شوند.

بر اساس روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام هنگام تولد فرزندش موسی علیه السلام چنین فرمود: از این کودکم دختری به نام فاطمه متولد خواهد شد. آن روز یکی از شیعیان - که دخترش را حمیرا نام نهاده بود - نزد امام صادق علیه السلام آمد، امام را دید که با کودکی در گهواره سخن می‌گوید. پرسید: مگر این کودک سخن می‌گوید؟ امام از او خواست جلوتر برود. وقتی نزدیک‌تر شد، کودک لب به سخن گشود و گفت: «ای مرد، نامی که برای دخترت انتخاب کرده‌ای، خداوند دشمن دارد. نامش را تغییر ده.

آن‌گاه امام صادق علیه السلام به مرد فرمود: این کودک، فرزندم موسی است. خداوند از او دختری به من عنایت می‌کند که نامش فاطمه است. او را در سرزمین قم به خاک می‌سپارند. هر که او را در قم زیارت کند، بهشت بر وی واجب می‌شود.^(۳)

مادر این بانوی پاکیزه، نجمه نام داشت که با نام‌های تکتیم، خیزران،

اروی، ام البنین، طاهره، سمانه، شقراء، سکن و صقر نیز از وی یاد شده است. حضرت فاطمه‌ی معصومه، بیست و پنج سال پس از تولد علی بن موسی الرضا علیه السلام، در اول ذی‌قعدة سال ۱۷۳ ه. ق. دیده به جهان گشود و در دهم، یازدهم یا دوازدهم ربیع الثانی ۲۰۱ ه. ق. وفات یافت. (۴)

مقام‌های حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

الف) عالمه

محل رشد فاطمه‌ی معصومه علیها السلام خاندانی بود که دریای دانش و معرفت شمرده می‌شد. حضور در کنار پدری چون امام موسی بن جعفر علیه السلام و برادری مانند امام رضا علیه السلام سبب شد فاطمه‌ی معصومه در کوتاه‌ترین مدت ممکن

مسیر رشد بپیماید و بتواند پرسش‌های فقهی و دینی شیعیان را پاسخ دهد. روزی گروهی از شیعیان وارد مدینه شدند تا پرسش‌های خود را از امام موسی بپرسند. کاروانیان به خانه‌ی امام آمدند، ولی به زودی دریافتند امام در مسافرت است. بنابراین، در اندوه فرو رفتند و ناگزیر آماده‌ی بازگشت شدند. در این لحظه، دختری خردسال سکوت سنگین کاروانیان را درهم شکست؛ پرسش‌ها را گرفت، پاسخ همه را به دقت نوشت و به آنان بازگرداند. کاروانیان شگفت زده به پاسخ‌ها نگریستند و با خاطری آسوده را دیار خویش پیش گرفتند. در راه امام را دیدند. سلام کردند؛ قصه‌ی دخترک باز گفتند و خط او را به وی نمایاندند. امام لبخند زد و سه بار فرمود: فداها ابوها؛ پدرش فدایش باد. (۵)

ای بانویی که بر همه بانوان سبری

در عصر خویش از همه نسوان تو برتری

پاک و منزهی و مبرّا ز هر بدی

گنجینه معارف و دریای گوهری

از دودمان هاشم و از آل احمدی

از خاندان عصمت و از نسل حیدری

از گلشن خدیجه کبری شکفته‌ای

وز بوستان حضرت زهراى اطهرى

هم دختر امامى و هم خواهر امام

هم عمه امامى و دخت پیمبرى (۶)

کند، محدث و محدثه مى‌گویند.

پیامبر ﷺ فرمود:

من تعلم حدیثین اثنین ینفع بهما

نفسه او یعلمهما غیره فینتفع بهما کان

خیراً له من عبادۃ سنتین سنة. (۷)

آن که دو روایت بیاموزد و خود از

آن بهره‌گیرد یا به دیگری آموزد تا او

سود برد، برایش از شصت سال عبادت

برتر است.

حضرت فاطمه‌ی معصومه علیها السلام

در شمار محدثان جای دارد و شش

مورد از روایات وی به دست ما رسیده

است. متن روایت‌های آن بزرگوار چنین

است:

۱- حدیث غدیر

من كنت مولاة فعلى مولاة. (۸)

هر که من مولای اویم علی مولای

او است.

۲- حدیث منزلت

أنسیتم قول رسول الله ﷺ یوم

غدیر خم: من كنت مولاة فعلى مولاة

محل

رشد فاطمه‌ی

معصومه علیها السلام

خاندانی بود که دریای

دانش و معرفت شمرده

می‌شد. حضور در کنار

پدری چون امام موسی بن

جعفر علیه السلام و برادری مانند

امام رضا علیه السلام سبب شد

فاطمه‌ی معصومه در

کوتاه‌ترین مدت ممکن

مسیر رشد بپیماید و

بستواند پرسش‌های

فقهی و دینی

شیعیان را پاسخ

دهد.

ب) محدثه

حدیث یعنی سخن. در اصطلاح

روایت به کسی که سخن معصوم را نقل

وقوله: انت منى بمنزله هارون من موسى عليه السلام (۹)

حضرت فاطمه‌ی معصومه از حضرت زهرا عليها السلام چنین نقل کرد: آیا سخن رسول خدا در روز غدیر را فراموش کردید که فرمود: هر که من مولای اویم علی نیز مولای اوست و [آیا فراموش کردید که] فرمود جایگاه تو [علی] در برابر من مانند [جایگاه] هارون [در برابر] موسی است.

۳- دوست داران علی عليه السلام

حضرت فاطمه‌ی معصومه عليها السلام از حضرت زهرا عليها السلام چنین روایت می‌کند: پدرم رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: شبی که مرا به آسمان [معراج] بردند، داخل بهشت شدم. در آن جا خانه‌یی از دَرّ سفید دیدم که میان آن خالی بود. آن خانه دری داشت که با دَرّ و یاقوت مزین شده بود و روی آن پرده‌یی کشیده بودند. وقتی سر بلند کردم دیدم بر بالای آن نوشته‌اند: «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی القوم»؛

بر پرده نوشته شده بود: «بَيْحُ بَيْحٍ مِنْ مِثْلِ شَيْعَةِ عَلِيٍّ»؛ به به چه کسی مانند شیعه‌ی علی است.

وقتی داخل خانه شدم، قصری از عقیق سرخ دیدم که وسط آن خالی بود. این خانه نیز دری داشت که پرده‌یی مزین به زبرجد سبز بر آن آویخته بودند. وقتی سر بلند کردم، دیدم بر فرازش نوشته‌اند: «محمد رسول الله، علی وصی المصطفی».

بر پرده نیز نوشته بودند: «بَشْرُ شَيْعَةِ عَلِيٍّ بِطَيْبِ الْمَوْلِدِ»؛ شیعه‌ی علی را به حلال زاده بودن بشارت ده.



وقتی وارد شدم، به قصری دیگر از زمرد سبز رسیدم که زیباتر از آن را هرگز ندیده بودم. دری از یاقوت قرمز داشت که با انواع لؤلؤها تزیین

شده بود.

۴ - مقام شهادت برای دوستان آل

محمد ﷺ

«الا من مات على حب آل محمد مات شهيداً» (۱۱)

آگاه باشید، آن که با محبت آل محمد بمیرد، شهید جان سپرده است.

۵ - طهارت امام حسین ﷺ

«لما سقط الحسين من بطن امه و كنت وليتها قال النبي ﷺ: يا عمه هلّمتي ابني فقلت يا رسول الله انا لم نُنظفه بعد. فقال: يا عمه انت تُنظفه ان الله تبارك وتعالى قد نظفه وطهره» (۱۲)

[صفيه عمه‌ی پیامبر اکرم فرمود] وقتی امام حسین ﷺ متولد شد، من پرستارش بودم. پیامبر ﷺ فرمود: عمه، فرزندم را نزد من آور. گفتیم: یا رسول الله، او را [نشسته‌ایم و] پاکیزه نکرده‌ایم. فرمود: عمه، تو می‌خواهی او را پاک کنی، خداوند او را پاکیزه و مطهر کرده است.

۶ - قم، مرکز شیعیان

حضرت معصومه ﷺ از پدرش امام کاظم ﷺ چنین روایت کرده است: قم مرکز شیعیان ماست. (۱۳)

بر پرده آن نوشته بودند: «شیعة علی هم الفائزون»؛ شیعیان علی رستگاراند.

پرسیدم: دوست من جبرئیل، این کاخ از آن کیست؟

پاسخ داد: «یا محمد، لابن عمک و وصیک علی بن ابی طالب ﷺ یحشر الناس کلهم يوم القيامة حفاة عراة الا شیعة علی ویدعی الناس باسماء امهاتهم ما خلا شیعة علی فانهم یدعون باسماء آبائهم».

محمد، این خانه‌ی پسر عمو و جانشین تو علی بن ابی طالب است. در رستاخیز همه‌ی مردم جز شیعیان علی عربان محشور می‌شود؛ و همه‌ی مردم جز شیعیان علی با نام مادرشان خوانده می‌شوند. شیعیان علی با نام پدرانشان خوانده خواهند شد.

درباره‌ی راز این مسئله پرسیدم، پاسخ داد:

«لانهم احبو علیاً فطاب مولدهم؛ چون علی را دوست داشتند، ولادتشان نیک [و حلال] گردید.» (۱۰)

ج) شفیعه

یا رب این خلد برین، یا جنة الماواستی
یا همایون بارگاه بضعهی موساستی
این همایون بانو که در درج شرافت اختری است
نسل پاک زاده انسیه الحوارستی
فاطمه اخت الرضا، سلطان دین، روحی فداک
خاک درگاه تو از عرش علا اعلاستی
مرجع اهل زمان و شافع یوم المعاد
خواهر سلطان دین و ثانی زهراستی (۱۴)

مقام شفاعت از مقام های مسلم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است. صادق علیه السلام فرمود: با شفاعت او همه ی شیعیان ما وارد بهشت خواهند شد. سخنی که امام صادق علیه السلام پیش از تولد حضرت فاطمه بر زبان رانده بر درستی این گفتار گواهی می دهد. حضرت فرمود:

«تدخل بشفاعتها شیعتی الجنة باجمعهم» (۱۵)

این روایت، افزون بر اصل مقام شفاعت، بر فراگیر بودن آن نیز اشاره دارد. بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله - که نخستین جایگاه شفاعت را دارد و قرآن از آن با عنوان مقام محمود یاد کرده است - (۱۶)

بالاترین جایگاه از آن فاطمه ی زهرائیه علیها السلام و فاطمه ی معصومه است. امام صادق علیه السلام فرمود: «من زار المصومه بقم کمن زارنی» (۱۹)

«من زارها عارفاً بحقها فله الجنة» (۲۰)

امام جواد علیه السلام فرمود:

«من زار قبر عمتی بقم فله الجنة» (۲۱).

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

«ان زیارتها تعدل الجنة» (۲۲).

«من زارها وجبت له الجنة» (۲۳).

آیت الله شیخ محمد ناصری دولت آبادی، یکی از علمای دولت آباد اصفهان، از پدرش چنین نقل کرده است: در سال ۱۲۹۵ هجری قمری، در اطراف قم چنان خشک سالی شد که مردم به ستوه آمدند. چهل تن از

متدینان محل انتخاب شده، به قم آمدند و در حرم حضرت معصومه علیها السلام بست نشستند تا شاید خداوند با عنایت و دعای آن بزرگوار باران فرستد. در شب سوم، یکی از اینان مرحوم آیت الله العظمی میرزای قمی را در خواب دید. میرزا پرسید: چرا بست نشسته‌اید؟ او دلیل را عرض کرد. میرزا گفت: این که چیزی نیست این مقدار از دست ما هم ساخته است؛ ولی اگر شفاعت همه‌ی جهان را خواستید، دست تو سل به سوی این شفیعه‌ی روز جزا دراز کنید. (۲۴)

د) معصومه

السلام ای آفتاب عصمت ای کز درگهت

کرده کسب منزلت عرش علا ای فاطمه

السلام ای زینت دامان زهرا کز تو هست

منبت فضل و عطا بر ما سوئی ای فاطمه

امام رضا علیه السلام فرمود:

«... من زار المعصومه بقم کمن زارنی» (۲۵).

... آن که معصومه را در قم زیارت کند گویا مرا زیارت کرده است. مرتبه‌ی والای عصمت تنها برای

معصومان است و آنان از گناهان عمدی و سهوی پیراسته‌اند؛ اما اولیای خدا مانند حضرت زینب علیها السلام و فاطمه‌ی معصومه علیها السلام از مراتب پایین‌تر آن بهره می‌برند.

هـ) کریمه

سید محمد مرعشی، پدر ارجمند آیت الله مرعشی نجفی، از نسب شناسان گرانقدر بود و بسیار علاقه داشت مرقد شریف حضرت زهرا علیها السلام را بیابد. برای این کار ختم مجربی برگزید و چهل شب بدان مداومت ورزید. شب چهلم در رؤیا به محضر امام باقر یا صادق علیهما السلام رسید. امام فرمود: «علیک بکریمه اهل بیت»؛ بر تو باد توجه به کریمه‌ی اهل بیت.

وی که تصور می‌کرد مراد آن حضرت فاطمه‌ی زهرا است، گفت: آری، من نیز می‌خواهم آرامگاه شریفش را بیابم تا زیارت کنم.

امام فرمود: مرادم مرقد شریف حضرت معصومه علیها السلام در قم است.

و آن گاه ادامه داد: خداوند اراده کرده، به جهت مصالحی، قبر شریف حضرت زهرا علیها السلام پنهان باشد، ولی مرقد حضرت معصومه علیها السلام را تجلی‌گاه آرامگاه شریف حضرت زهرا علیها السلام قرار داده است.

ورود حضرت معصومه علیها السلام به قم

در سال ۲۰۰ هجری قمری، مأمون

عباسی با ارسال نامه‌ها و پیام‌های بسیار امام رضا علیه السلام را به توس فرا خواند. حضرت ناگزیر این دعوت را پذیرفت و به خراسان آمد. یک سال بعد، حضرت معصومه علیها السلام به شوق دیدار برادر عازم خراسان شد. او همراه گروهی تا ساوه آمد و در آن جا، بیمار شد. پرسید: از این مکان تا قم چقدر راه است؟ پاسخ دادند: ده فرسنگ. به دستور حضرت به سوی قسم حرکت کردند و مردم قم به استقبالش شتافتند. موسی بن خزرج بن سعد اشعری - که از یاران امام رضا علیه السلام بود - شتابان خود را به حضرت فاطمه‌ی معصومه علیها السلام رساند، زمام شتر را گرفت، به قم آورد و افتخار میزبانی حضرت را به خود اختصاص داد. پس از ۱۶ یا ۱۷ روز، آن بانوی ارجمند وفات یافت. (۲۶)

عبادتگاه او در خانه‌ی موسی بن خزرج هنوز باقی است و به مدرسه‌ی ستیه معروف است.

موسی بن خزرج بخشی از زمین‌های خود را - که بابلان نام داشت - به حضرت اختصاص داد تا در آن جا به خاک سپرده شود. آل سعد سردابی حفر کردند تا پیکر مطهر فاطمه‌ی

شدم. خانواده‌ام مرا به بیمارستان‌های مختلف در شهرهای ماکو، خوی و تبریز بردند و همه‌ی پزشکان، پس از آزمایش‌های مکرر، از درمانم اظهار ناتوانی کردند. دیگر نتوانستم پاهایم را حرکت دهم تا این که چهارشنبه شب (۷۳/۲/۲۱) در رؤیا چنان دیدم که بانویی سفیدپوش سوار بر اسبی سفید به سویم آمد و فرمود: «چرا از همان ابتدای بیماری پیش من نیامدی تا شفایت دهم؟»

حضور در کنار پدری چون امام موسی بن جعفر علیه السلام و برادری مانند امام رضا علیه السلام سبب شد فاطمه‌ی معصومه در کوتاه‌ترین مدت ممکن مسیر رشد بپیماید و بتواند پرسش‌های فقهی و دینی شیعیان را پاسخ دهد.

با اضطراب از خواب پریدم و جریان را با عمو و عمه‌ام در میان گذاشتم. و آن‌ها بی‌درنگ مقدمات سفر به قم را فراهم کردند. روز جمعه ساعت ۷/۳۰ دقیقه به حرم مطهر مشرف شدیم. پس

معصومه علیه السلام را در آن جای دهند. پس از غسل و کفن، پیکر را به آن مکان آوردند و در این مورد که چه کسی داخل قبر شود، اختلاف کردند. سرانجام چنان مقرر شد که کهنسال پرهیزگاری به نام قادر این عمل را بر عهده گیرد. در این لحظه، ناگهان دو سوار - که چهره پوشانده بودند - در بیابان آشکار شدند. سواران به تدریج نزدیک‌تر شدند، از چارپا فرود آمدند و بر پیکر فاطمه‌ی معصومه علیه السلام نماز گزارند سپس داخل سرداب شده، جنازه را به خاک سپردند و بی‌آن که کسی آن‌ها را بشناسد، از همان راهی که آمده بودند، بازگشتند. (۲۷)

کرامات فاطمه‌ی معصومه علیه السلام
تاکنون صدها کرامت از این بانوی بزرگوار مشاهده شده است. یکی از این کرامات به دختری از ماکو اختصاص دارد.

او خود داستان شفایش را چنین توضیح می‌دهد:

رقیه امان‌پور هستم، از اهالی شوط ماکو، چهار ماه پیش، بر اثر یک نوع سرماخوردگی از هر دو پا فلج

از نماز، به خواندن زیارت‌نامه پرداختم که ناگهان صدای همان بانو - که در خواب دیده بودم - به گوشم رسید. او فرمود: بلند شو، راه برو که شفایت دادم.

من توجه نکردم دوباره همان صدا با همان الفاظ تکرار شد. این بار حرکتی به خود دادم و دریافتم به لطف آن بانو شفا گرفته‌ام. (۲۸)

شفای نصرانی

مرحوم محدث نوری می‌گوید: در بغداد مردی نصرانی به نام «یعقوب» مبتلا به مرض استسقا بود که از معالجه آن ناامید شده بود و به طوری بدنش ضعیف شده بود که توان راه رفتن نداشت. او می‌گفت: بارها از خدا مرگم را خواسته بودم تا آن که در سال ۱۲۸۰ هـ. ق. در عالم خواب سید جلیل القدر نورانی را دیدم که کنار تخت من ایستاد و به من گفت: اگر شفای خواهی، باید به زیارت کاظمین بیایی. از خواب بیدار شدم و خوابم را به مادرم گفتم. او گفت این خواب شیطانی است. دو مرتبه خوابم برد، این بار بانویی را در خواب دیدم با چادر و روپوشی که به من گفت:

برخیز که صبح شد. آیا پدرم با شما شرط نکرد که او را زیارت کنی و تو را شفا بدهد. گفتم: پدر شما کیست؟ گفت: موسی بن جعفر علیه السلام. گفتم شما کیستید؟ گفت: من معصومه خواهر رضا هستم.

از خواب بیدار شدم و متحیر بودم به کجا بروم. به ذهنم آمد خدمت سید راضی بغدادی بروم. به بغداد رفتم تا به در خانه‌ی او رسیدم، در زدم، صدا آمد کیستی؟ گفتم در را باز کن. همین که سید صدایم را شنید، به دخترش گفت در را باز کن که یک نفر نصرانی آمده مسلمان شود. وقتی بر او وارد شدم، گفتم از کجا دانستید من چنین قصدی دارم؟ فرمود: جدم در خواب مرا از قضیه‌ی تو خبر داد. او مرا به کاظمین نزد شیخ عبدالحسین تهرانی برد.

برای خداوند حرمی است که مکه است. حرم رسول مدینه، حرم امیر مؤمنان کوفه و حرم من و فرزندانم قم است. بدانید قم کوفه‌ی کوچک ما است.

داستان را برایش گفتم. دستور داد مرا به

حرم مطهر امام کاظم علیه السلام بردند و در ضریح طواف دادند. عنایتی نشد. از حرم بیرون آمدم، احساس تشنگی کردم آب آشامیدم، حالم منقلب شد و روی زمین افتادم. گویا کوهی بر پشتم بود و از سنگینی آن راحت شدم. ورم بدنم از بین رفت و زردی صورتم به سرخی تبدیل شد و دیگر از آن مرض اثری ندیدم. نزد شیخ بزرگوار رفتم و مسلمان شدم. (۲۹)

پی نوشتها :

- ۱- آئینه‌ی عفاف، ۱۲۷ شعر از علی برات پور .
- ۲- بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸؛ جامع احادیث الشیعة، ج ۱۲، ص ۶۱۷.
- ۳- وسیلة المعصومیة، ص ۶۵، مستدرک سفینة، ماده فطم، ج ۸، ص ۲۵۷، زندگانی حضرت موسی بن جعفر، عمادزاده، ج ۲، ص ۳۷۵ (سال ۱۸۳ نیز ذکر شده است) به عوالم العلوم، ج ۲۱ ص ۳۲۸، حیات الست، ص ۱۰، رجوع کنید.
- ۴- تاریخ قدیم قم، حسن بن محمد بن حسین قمی، ص ۲۱۲؛ بحار الانوار، ج ۴۸ ص ۲۹۰.
- ۵- تاریخ اهل بیت، ص ۸۲؛ کریمه‌ی اهل بیت، علی اکبر مهدی پور، ص ۱۷۱.
- ۶- آئینه عفاف، ص ۱۴۲.
- ۷- کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۸۸۴۹.
- ۸- احقاق الحق، ج ۶، ص ۲۸۲.
- ۹- الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۷؛ انسی المطالب فی

- مناقب علی بن ابی طالب، ص ۴۹؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳.
- ۱۰- بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۷۷؛ عوالم، ج ۲۱، ص ۳۲۵؛ ینابیع المودة، ص ۲۵۷.
 - ۱۱- أثار الحجة، ج ۱، ص ۸ و ۹؛ عوالم، ج ۲۱، ص ۳۵۴.
 - ۱۲- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۴۳.
 - ۱۳- فروغی از کوثر، ص ۴۹.
 - ۱۴- آئینه عفاف، ص ۱۰۰، شعر از خادم.
 - ۱۵- سفینة البحار، ج ۲، ص ۳۷۶؛ مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۸۳.
 - ۱۶- سوره اسراء، آیه ۷۹.
 - ۱۷- بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶.
 - ۱۸- ریاحین الشریعة، ج ۵، ص ۳۵؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۷.
 - ۱۹- همان، ص ۳۵؛ ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۸.
 - ۲۰- بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۷.
 - ۲۱- کامل زیارات، ص ۲۲۴.
 - ۲۲- بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷.
 - ۲۳- همان، ج ۴۸، ص ۳۱۷.
 - ۲۴- کریمه اهل بیت، ص ۵۸.
 - ۲۵- ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۸.
 - ۲۶- سفینة البحار، ج ۲، ص ۳۷۶؛ (فطم) بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۹.
 - ۲۷- بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۹.
 - ۲۸- بارگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام تجلی‌گاه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ص ۱۵۵؛ مرحوم حجة الاسلام شیخ غلام حسین قمی (با تلخیص).
 - ۲۹- دار السلام، ج ۲، ص ۱۶۹.